

Feasibility Study of the Eastern Approach to Human Rights; Based on Activism Type of five Asian countries 'Case Study Towards the International Law related to Women and Family

Mahya Saffarinia

Assistant Professor, Department of Law, Sisters Campus, Imam Sadeq University, Tehran, Iran.
saffarinia@isu.ac.ir

Abstract

Human rights in the contemporary world is one of the most crucial scientific and social issues. Despite the formation of the international human rights law with specific monitoring and enforcement mechanisms, States countries, other international actors and agents have adopted different approaches toward it at the national and global levels. Some Western states and intellectual movements introduce the West as the main source of the formation and development of positive human rights concepts and issue, having provoked reactions from other cultures and societies. In such circumstances, examining the capacities of the Eastern approach towards human rights has become so prominent from a scientific and practical perspective. The aim here, is to examine the possibility of an Eastern approach to human rights and its potential capacities in the direction of developing justice, peace and global solidarity. The current study attempts to evaluate, through a case study, the type of actions and reactions of five different Asian countries towards international standards in the field of human rights regarding specifically women and the family, the real question to respond here is whether there is any possibility to identify the type of collective view and action of Eastern societies in a specific field of human rights issues, either to consider the certainty of the existence of an Eastern approach to human rights or its capacities seem to develop justice, peace and human solidarity worldwide. This study was truly conducted with a descriptive-analytical method and based on inductive reasoning and legal analysis of valid international documents. The outcome shows that, two extreme and discriminatory views in such sector can be rejected and is possible to move towards ensuring fair global participation and international convergence by preserving cultural diversity and Eastern identity. This research, while providing frameworks for intelligent policymaking, opens vividly a new horizon for broader studies towards achieving a more just national and international order committed to respecting human rights.

Keywords: human rights, Eastern approach, women, family, Asian countries, global convergence, cultural diversity.

Cite this article: Saffarinia, M. (2024). Feasibility Study of the Eastern Approach to Human Rights; Based on Activism Type of five Asian countries 'Case Study Towards the International Law related to Women and Family. *Philosophy of Law*, 3(1), p. 239-267. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71103.1095>

Received: 2023-10-30 ; **Revised:** 2023-12-07 ; **Accepted:** 2023-12-30 ; **Published online:** 2024-04-03

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



امکان سنجی رویکرد شرقی به حقوق بشر؛ با تمرکز بر مورد پژوهی نوع کنشگری پنج کشور آسیایی در قبال نظام حقوقی بین‌المللی مربوط به حوزه زنان و خانواده

محیا صفاری‌نیا

استادیار، گروه حقوق، پردیس خاوران، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. saffarinia@isu.ac.ir

چکیده

حقوق بشر در دنیای معاصر یکی از مهم‌ترین مباحث علمی و اجتماعی است. با وجود شکل‌گیری نظام بین‌المللی حقوق بشر با سازوکارهای نظارتی و اجرایی مشخص، دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی، رویکردهای متفاوتی در سطوح ملی و جهانی اتخاذ کرده‌اند. برخی دولت‌ها و جریان‌های فکری غربی، مغرب‌زمین را منشأ اصلی شکل‌گیری و توسعه مفاهیم حقوق بشر معرفی می‌کنند که این دیدگاه، واکنش‌هایی را از سوی سایر فرهنگ‌ها و جوامع برانگیخته است. در چنین شرایطی، بررسی ظرفیت‌های رویکرد شرقی به حقوق بشر از منظر علمی و عملی اهمیت می‌یابد. هدف این پژوهش، بررسی امکان وجود یک رویکرد شرقی در حوزه حقوق بشر و ظرفیت‌های آن در راستای توسعه عدالت، صلح و همبستگی جهانی است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا از گذر مورد پژوهی، نوع کنش و واکنش ۵ کشور آسیایی در قبال موازین بین‌المللی حوزه حقوق بشر زنان و خانواده، این پرسش را مورد واکاوی قرار دهد که آیا می‌توان با شناسایی نوع نگاه و عملکرد جمعی از جوامع شرقی در یک زمینه خاص از مباحث حقوق بشر، این احتمال را قوی دانست که موجودیت رویکرد شرقی به حقوق بشر محرز است و آیا می‌توان از ظرفیت‌های آن برای توسعه عدالت، صلح و همبستگی انسانی در سطح جهان بهره برد. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه استدلال استقرایی و تجزیه و تحلیل حقوقی اسناد معتبر بین‌المللی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این حوزه، دو دیدگاه افراطی و تفریطی قابل رد است و می‌توان با حفظ تنوع فرهنگی و هویت شرقی، در مسیر تأمین مشارکت عادلانه جهانی و همگرایی بین‌المللی حرکت کرد. این پژوهش ضمن ارائه چارچوب‌هایی برای سیاست‌گذاری هوشمندانه، افق‌های جدیدی را برای مطالعات گسترده‌تر در راستای تحقق نظم عادلانه‌تر ملی و بین‌المللی و ملتزم به رعایت حقوق انسانی می‌گشاید.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، رویکرد شرقی، زنان، خانواده، کشورهای آسیایی، همگرایی جهانی، تنوع فرهنگی، نظام حقوقی بین‌المللی.

استاد به این مقاله: صفاری‌نیا، محیا (۱۴۰۳). امکان سنجی رویکرد شرقی به حقوق بشر؛ با تمرکز بر مورد پژوهی نوع کنشگری پنج کشور آسیایی در قبال نظام

حقوقی بین‌المللی مربوط به حوزه زنان و خانواده. *فلسفه حقوق*، ۳(۱)، ص ۲۳۹-۲۶۷. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71103.1095>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقر العلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

در محافل فارسی‌زبان به ویژه جامعه ایران اگر عنوان «رویکرد شرقی به حقوق بشر ازجمله در عرصه حقوق زن و خانواده» مطرح شود، به‌طور طبیعی دو فرض در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد: رویکرد شرقی در مقابل رویکرد غربی به حقوق بشر قابل طرح است و در واقع با انگیزه‌های متنوع، در چارچوب دوگانه مزبور قرار داده می‌شود، یا می‌خواهیم هویت مشترکی را در مقوله نوع نگاه و عمل به حقوق انسانی با انتساب به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های متنوع شرق، اثبات و معرفی کنیم. منظور از شرق نیز می‌تواند منحصر در ویژگی‌های جغرافیایی باشد یا شرق فرهنگی متفاوت با غرب فرهنگی و یا سایر ویژگی‌ها ازجمله تفاوت‌های تمدنی شرق با غرب یا تنوع جمعیتی، اعتقادی، سنت‌ها و رویه‌های خاصی که گروهی از جوامع را با عنوان شرق، متمایز از مجموعه جوامع موسوم به غرب، معرفی می‌نماید. مشابه این تقسیم‌بندی را از نگاه ویژگی‌های اقتصادی، در سطح جهانی تجربه کرده‌ایم که مکررگفته شده: کشورهای شمال در مقابل کشورهای جنوب.^۱ در این تقسیم‌بندی، منظور از کشورهای جنوب، مجموعه جوامع در حال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته هستند. طبیعتاً زمانی که از رویکرد شرقی به حقوق انسانی سخن به میان می‌آید، منظور باید نوع نگرش به حقوق انسانی در چارچوب گفتمان‌های حقوق بشر زمانه کنونی باشد. چراکه حداقل در ۸۰ سال اخیر پس از سازمان ملل^۲، مباحث حقوق بشر در قالب ادبیات و گفتمان‌های جدیدی طرح شده و جریان یافته و هر دولت، مکتب و اندیشه‌ای در همین فضا فعال است که دیدگاه‌های خود را ارائه داده یا با سایر دیدگاه‌ها مواجهه مثبت یا منفی داشته باشد. اگر قرار باشد فارغ از بسترهای واقعی مباحث حقوق بشر در جهان کنونی، مثلاً از حیث تاریخی صرف یا در خلأ و به صورت کاملاً انتزاعی به موضوع بنگریم و هویتی با عنوان نگرش شرقی به حقوق بشر را مطرح کنیم، در گفتمان‌های جاری در سطح جهان وارد نشده‌ایم و عمده‌تاً تنها بحثی تاریخی را عرضه کرده‌ایم.

اگر قرار باشد یکی از دو برداشت فوق از رویکرد شرقی به حقوق بشر، ازجمله در مقوله زن و خانواده مطرح گردد؛ این امکان وجود دارد که طیف گسترده‌ای از مباحث، مورد بررسی قرار گیرد و یا اینکه فقط از یک زاویه خاص، تأمل لازم انجام شود و با در کنار هم قراردادن مطالعات خرد در زمینه‌های مشخص، زمینه استخراج نتایج کلی و قابل تعمیم را فراهم آورد. در صورتی که بنا باشد همه ابعاد موضوع، محور

۱. کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) تقسیم‌بندی کشورهای شمال و جنوب جهانی را از منظر شاخص‌های متعدد تعریف کرده و هر ساله تحولات آماری مربوط به این دو طیف از کشورها را در دسترس عموم قرار می‌دهد. به عنوان نمونه، نک: unctad.org/Classifications - UNCTAD Handbook of Statistics 2023.

۲. پس از تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ و تدوین منشور ملل متحد و متعاقب آن تهیه و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، روندی از هنجارسازی و ایجاد سازوکارهای مختلف بین‌المللی در زمینه حقوق بشر شکل گرفته که سابقه مشابه قبلی در جامعه بین‌المللی نداشته است. همین روند، مفهوم نظام بین‌المللی حقوق بشر و گفتمان‌های فعال در این نظام را فراوری جامعه بشری معاصر قرار داده است.

بررسی واقع شود، طبیعتاً هم از حیث مبانی حقوق بشر، هم از حیث قواعد و استانداردهای حقوقی و هم از جهت عملکردها و رفتارهای اجرایی باید به بررسی و اثبات آنچه مجموعاً رویکرد شرقی نامیده می‌شود، پرداخت که این بررسی، قلمرو بسیار گسترده و کلان‌پروژه‌ای را شامل خواهد شد. حقوق بشر، طیف وسیعی از مباحث در حوزه مبانی، حق‌های فردی، حق‌های جمعی، حقوق حمایتی گروه‌های خاص انسانی و محدوده‌ها و قیود حقوق و آزادی‌ها و روش‌های حل تعارض یا حل تزاخم بین حقوق و آزادی‌ها را دربرمی‌گیرد؛ که در هر حوزه، اگر قرار باشد گزاره‌هایی به رویکردی خاص اعم از شرقی یا غربی منتسب شود، باید همراه با دلایل و مدارک و مستندات باشد. طبیعتاً ورود به این دامنه مطالعه فراگیر و گسترده، خارج از حیطه پژوهش حاضر است. در نوشتار کنونی، مطالعه از زاویه‌ای خاص و با دامنه مشخصی از پرسش‌ها و قلمرو موضوعی که امکان ارزیابی نسبتاً معتبر را فراهم آورد، انجام می‌شود. در این مطالعه، برای امکان‌سنجی وجودی رویکرد شرقی به حقوق انسانی، صرفاً حوزه حقوق زن و خانواده در نظر گرفته شده است. به علاوه، این بررسی عمدتاً از زاویه قواعد و استانداردهای حقوقی انجام می‌گیرد، آن هم یک زاویه خاص و مشخص در مطالعات حقوقی که به نوع کنشگری چند دولت واقع در جغرافیای مشرق‌زمین مربوط می‌شود. از حیث نوع نگاه و رویه آنها در قبال موازین بین‌المللی که اغلب (درست یا نادرست) منتسب به رویکرد غربی حقوق بشر معرفی می‌شوند.^۱ در این زمینه تلاش شده که روشن شود آیا نگاه و عملکردهای دولت‌های مورد بررسی با رویکرد غربی تفاوت دارند یا خیر؟ و در صورت اثبات برخی تفاوت‌ها، آیا این امر در حدی است که بتوان به نتیجه خاصی دست یافت یا خیر؟ نتایج بررسی به‌طور منطقی، یکی از سه احتمال زیر را در اختیار قرار می‌دهد که در واقع سمت‌وسوی امکان‌سنجی کلی ما را مشخص خواهد کرد:

احتمال اول: آنچه در جوامع مورد بررسی شرقی ارزیابی کردیم، نشان می‌دهد که آنها به کلی با رویکردهای رقیب، به ویژه رویکرد غربی حقوق بشر متفاوت هستند. لذا، براساس مستندات و شواهد حاصله، اطلاق عنوان رویکرد شرقی جدای از رویکرد غربی به آنها درست است.

احتمال دوم: آنچه در جوامع مورد بررسی شرقی ارزیابی کردیم، نشان می‌دهد که آنها به کلی با رویکرد غربی حقوق بشر هماهنگ هستند. بنابراین، اطلاق عنوان رویکرد شرقی جدای از رویکرد غربی به آنها صحیح نیست.

احتمال سوم: آنچه در جوامع مورد بررسی شرقی ارزیابی کردیم، نشان می‌دهد که آنها در موارد

۱. در مورد اینکه حقوق بشر جهانی که هم‌اینک مطرح است آیا واقعا جهانی است یا غربی، بحث‌های جدی را در برخی محافل علمی برانگیخته و موافقان و مخالفانی در این زمینه طرح دیدگاه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه نک:

Mende, Janne, are human rights western: And why does it matter? A perspective from international political theory, *Journal of International Political Theory*, 17(1), 2019

گسترده‌ای با رویکردهای دیگر جاری در سطح جهانی در مقوله حقوق انسانی ازجمله حقوق زن و خانواده هم‌فکری دارند؛ اما در مواردی نیز از دیدگاه‌های خاص برخوردار هستند و تفاوت‌ها و ویژگی‌های خود را دارند و بر این اساس، نوعی همراهی جهانی با دیگر رویکردها در عین حفظ برخی تفاوت‌ها را می‌توان تأیید کرد. بدین معنا، رویکرد شرقی به حقوق بشر، نوعی نگرش یا اشتراکات حداقلی پیرامون ویژگی‌های اختصاصی جوامع شرقی است که در کنار مجموعه همگرایی‌های جهانی با دیگر جوامع و فرهنگ‌ها در قبال موازین حقوق بشر ازجمله در حوزه حقوق زن و خانواده قابل شناسایی و طرح است. در بررسی حاضر، بنا به مستندات مورد ارزیابی، به طور طبیعی انتظار می‌رود که یکی از سه احتمال فوق‌الذکر اثبات شود.

در گذشته در محافل علمی، کم‌وبیش مشابه این بحث‌ها در حوزه تطبیق نگرش اسلامی به حقوق بشر در قبال رویکرد جهانی یا رویکرد غربی به حقوق بشر مطرح شده است. برخی عنوان داشته‌اند که حقوق بشر اسلامی به کلی با حقوق بشر غربی متفاوت است که این سخن در مواردی در مقام تعریف از حقوق بشر اسلامی از سوی برخی متفکران مسلمان^۱ یا علیه حقوق بشر اسلامی و در مقام رد آن از سوی برخی منتقدان نگرش اسلامی^۲ ارائه شده است. در کنار این رویکرد، برخی گفته‌اند حقوق بشر از دیدگاه اسلام، حداکثر هم‌خوانی را با موازین حقوق بشر مطرح در سطح جهانی دارد.^۳ لذا، با نگرش اسلامی هم می‌توان حداکثر مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را محقق ساخت. در نهایت، گروه سومی نیز این دیدگاه را مطرح کرده‌اند که در عرصه‌های متعددی بین رویکرد حقوق بشر برگرفته از اسلام با رویکرد غربی یا جهانی به حقوق بشر تفاوت است و در موارد قابل توجهی اشتراک نظر^۴ وجود دارد. از این‌رو، راه

۱. متفکران مسلمان متعددی اینگونه گفته‌اند. ازجمله نک: مصباح یزدی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام،

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.

۲. این دیدگاه نیز قائلان خاص خود را دارد که عمدتاً از میان منتقدان اسلام یا جمهوری اسلامی یا برخی گروه‌های موسوم به روشنفکران و نواندیشان مخالف افزودن قید اسلامی به حقوق بشر هستند. به عنوان نمونه پژوهش‌های مطرح در سطح جهانی، نک:

Ann Elizabeth, Mayer, Universal versus Islamic human rights: a clash of cultures or a clash with a construct? 15 mich. j. int'l l. 307 (1994)

۳. این دیدگاه نیز سابقه طولانی در میان محققان حتی از مسلمانان دارد و در زمانه کنونی با عنوان قائلان به تعامل فعال اسلام و حقوق بشر معاصر معرفی می‌شوند. به عنوان نمونه‌ای از پژوهش‌های قدیمی با این دیدگاه که ماده به ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر را با اسلام تطبیق داده و قائل به اشتراک بیش از ۹۰ درصدی شده، نک: غلامرضا نمائی، اعلامیه‌های حقوق بشر اسلامی و جهانی، نشر موسسه مطبوعاتی بورس کتاب، ۱۳۴۷. ازجمله آثار جدید منتشره با این رویکرد، نک: رحیم نوبهار، اسلام و مبانی حقوق بشر، نشر نگاه معاصر، ۱۴۰۲.

۴. برای ملاحظه نمونه‌ای از پژوهش‌های مبتنی بر این رویکرد به زبان فارسی، نک: محمدتقی جعفری، تحقیق در دو نظام

باز است که در مواردی برای تقویت اشتراکات تلاش کرد و در بسیاری موضوعات برای حفظ ویژگی‌های اختصاصی، حساسیت نشان داد و دیگر نگرش‌ها را مورد انتقاد قرار داد.

۲. روش پژوهش

در بررسی حاضر، برای پرهیز از کلی‌گویی و ایجاد شرایط ارزیابی دقیق علمی، نکاتی مورد توجه قرار گرفته است: اول اینکه پنج کشور مشخص، واقع در جغرافیای مشرق‌زمین^۱ برای بررسی انتخاب شدند تا هر انتساب در این زمینه، مستند و دقیق باشد. پنج کشور شرقی انتخاب شده دارای جمعیت قابل توجه، تنوع فرهنگی و تکثر دینی می‌باشند. نظر به اینکه رویکرد شرقی از حیث عناصر و ویژگی‌های درونی و بیرونی قابل بررسی، طیف وسیع‌تری از متغیرها را به نسبت رویکرد اسلامی به حقوق بشر در برمی‌گیرد. در این مطالعه، دین اسلام و ویژگی‌های مشترک اعتقادی بین جوامع مسلمان به‌عنوان معیار انتخاب کشورها یا تمرکز بر نوع کشمگری حقوقی بین‌المللی آنها در زمینه حقوق بشر، لحاظ نشده است؛ چراکه آن خود موضوع مطالعات دیگری است.^۲ البته نمی‌توان منکر شد که جنبه‌های اعتقادی و دینی نیز در نوع نگاه و عملکرد کشورها اثرگذار است.

نکته دوم اینکه، مبتنی بر سؤالات پژوهش، شاخص‌های مشخصی برای ارزیابی مطرح شده‌اند. پرسش‌های کلیدی عبارتند از:

- ۱) آیا کشورهای مورد بررسی به اسناد بین‌المللی حوزه زن و خانواده ملحق شده‌اند یا خیر؟ و آیا الحاق آنها مطلق است یا شروطی منحصر به نگاه خاص شرقی وارد کرده‌اند؟
- ۲) آیا نهادهای نظارتی بین‌المللی در حوزه زن و خانواده تذکراتی به این کشورها داده‌اند که حاکی از رویکرد متفاوت آنها با رویکرد غرب به حوزه حقوق زن و خانواده باشد؟
- ۳) آیا در مقابل هنجارهای بین‌المللی حوزه زن و خانواده و سازوکارهای نظارتی بین‌المللی، در کشورهای مورد بررسی قاعده‌گذاری‌های متفاوت یا مستقلی را شکل داده‌اند که بیانگر در پیش گرفتن راه متفاوتی در مقوله زن و خانواده باشد یا خیر؟

جهانی حقوق بشر (از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر)، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.

۱. چین، هند، اندونزی، پاکستان و مالزی پنج کشور مورد بررسی در مطالعه حاضر هستند.
۲. در خصوص رویکرد کشورهای اسلامی به حقوق بشر مطالعات متعددی به زبان‌های مختلف انجام شده است. به عنوان نمونه در میان آثار فارسی، نک: مظفری، محمد حسین، کشورهای اسلامی و حقوق بشر: چالش‌های حقوق بشر در جهان اسلام، نشر باز، ۱۳۸۸؛ سیدحسن موسوی اصل و سیداحمد طباطبایی، رویکرد سازمان همکاری اسلامی: از رویگردانی تا توجه به حقوق بشر، مطالعات حقوقی معاصر، ۱۱(۲۱)، ۱۳۹۹، ص ۷۴۲-۷۲۲؛ محمدحسین مظفری، راهبرد کشورهای اسلامی در تعامل با نظام بین‌المللی حقوق بشر معاصر، دین و ارتباطات، ۱۹(۴۲)، ۱۳۹۱، ص ۸۱-۱۱۴.

۴) آیا این کشورها از ناحیه سازوکارهای بین‌المللی یا نهادهای غیردولتی مستقر در غرب، با انتقادات جدی در برخی زمینه‌های حوزه زن و خانواده مواجه شده‌اند که حائز اهمیت بوده و به‌نوعی حاکی از اشتراک دیدگاه این کشورها باشد؟

۵) آیا این کشورها در حوزه هنجارسازی‌های جاری در سطح مجامع بین‌المللی در حوزه زن و خانواده، ابتکار مستقل یا پیشنهاد قابل توجهی متفاوت با آنچه توسط جریان غالب در سطح بین‌المللی ارائه می‌شود، عرضه داشته‌اند یا خیر؟

به عبارت دیگر، شاخص‌های ارزیابی میزان همگرایی یا واگرایی پنج کشور مورد مطالعه با استانداردهای بین‌المللی فارغ از همگرایی یا تفاوت در بحث‌های مربوط به مبانی حقوق بشر و چگونگی نهادینه‌سازی نظرات مبنایی در قواعد حقوقی و نوع نظام قانونی هر کشور، عبارتند از: نوع کنش و واکنش دولت‌های مورد مطالعه در قبال کنوانسیون‌های بین‌المللی ذی‌ربط از جمله کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون حقوق کودک. نوع کنش و واکنش دولت‌های مورد مطالعه در قبال برخی موضوعات چالشی مطرح در حوزه زن و خانواده. داشتن یا نداشتن برخی ابتکارات خاص ملی یا منطقه‌ای مربوط به حقوق زن یا کودک و خانواده در جهت همگرایی یا واگرایی با نظام بین‌المللی.

نکته سوم اینکه، بعد از بررسی داده‌های مربوط به پنج کشور مورد مطالعه و تطبیق داده‌ها با پرسش‌های فوق، تلاش شده تا تبیین شود که کدام‌یک از احتمالات سه‌گانه فوق در امکان‌سنجی رویکرد شرقی به حقوق زن و خانواده، حداقل در قلمرو پنج کشور شرقی مورد بررسی، قابل اثبات است. اگر قرار باشد در مورد دیگر کشورهای شرقی نیز داوری داشته باشیم و قلمرو رویکرد شرقی را توسعه دهیم، طبیعتاً باید به همین نحو در مورد دیگر جوامع و کشورها نیز بررسی صورت گیرد تا از در کنار هم قرار دادن داده‌ها و به شکل استقرایی، بتوان به گزاره‌های کلی دست یافت. این بررسی، مقید است که با استناد به اسناد معتبر سازمان ملل و گزارشات و پژوهش‌های جهانی و به روش تجزیه و تحلیل حقوقی بین‌المللی، مطالعه حاضر را به فرجام رساند.

۳. وضعیت داده‌های استخراجی در خصوص پنج کشور مورد مطالعه

کشورهای هند، چین، اندونزی، پاکستان و مالزی از جمله بازیگران مهم شرق فرهنگی و جغرافیایی به‌شمار می‌روند. هند پرجمعیت‌ترین کشور جهان، هفتمین کشور پهناور و سومین کشور دنیا از لحاظ تعداد مسلمانان است. در هند، ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون وجود دارد که اغلب آنها از هندوئیسم، اسلام و آیین بودایی نشأت گرفته‌اند و برخوردار از جامعه‌ای تکثرگرا، چندزبانه و چندنژادی است. این کشور از سال ۱۹۵۰ میلادی، جمهوری فدرال بوده است و تحت حاکمیت نظام پارلمانی دموکراتیک قرار دارد. دولت هند به شش معاهده از معاهدات اصلی بین‌المللی حقوق بشر، شامل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع تبعیض نژادی، کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل الحاقی آن و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، پیوسته و خود را متعهد به رعایت آنها اعلام کرده است.

چین، دومین کشور پرجمعیت و چهارمین کشور پهناور جهان است. به طور کلی چین یک کشور سکولار محسوب می شود و دین رسمی ندارد. کشوری تک حزبی است که حزب حاکم آن، حزب کمونیست می باشد. دولت چین به شش معاهده بین المللی حقوق بشر شامل میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع تبعیض نژادی، کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل الحاقی آن و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، پیوسته و خود را متعهد به رعایت آنها معرفی کرده است. اندونزی چهارمین کشور پرجمعیت و پانزدهمین کشور پهناور در جهان است. این کشور، پرجمعیت ترین کشور مسلمان جهان به شمار می رود. نظام سیاسی اندونزی، جمهوری با انتخابات مجلس و ریاست جمهوری می باشد. اندونزی به نُه معاهده اصلی بین المللی حقوق بشر، پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و دو پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک پیوسته و خود را بدانها متعهد اعلام کرده است. همچنین، اندونزی متعهد به اجرای برنامه عمل پکن شده است (ASEAN, 2016). پاکستان با نام رسمی جمهوری اسلامی پاکستان، پنجمین جمعیت بزرگ جهان را دارا است. دین رسمی این کشور، اسلام است و در میان کشورهای اسلامی، دومین کشور از نظر تعداد مسلمانان محسوب می شود. بزرگ ترین اقلیت های دینی پاکستان، مسیحیان و هندوها می باشند. این کشور در گزارش جهانی شکاف جنسیتی ۲۰۲۲ در رتبه ۱۴۵ از میان ۱۴۶ کشور قرار دارد. پاکستان، عضو هفت پیمان بین المللی حقوق بشر است. شامل میثاق حقوق مدنی سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون منع تبعیض نژادی، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل الحاقی آن. پاکستان، اعلامیه و برنامه عمل پکن را در سال ۱۹۹۵ امضاء کرد و به تحقق ۱۲ حوزه مشخص شده در آن، متعهد شد و در برنامه اقدام ملی خود در سال ۱۹۹۸ به عنوان اولین دستور کار جامع برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در پاکستان، بر این حوزه ها تمرکز کرد (WOMEN, 2023, p. 5 UN).

مالزی، چهل و چهارمین کشور جهان از لحاظ جمعیت و یک جامعه چندنژادی، چندفرهنگی و چندزبانی است. دین رسمی این کشور، اسلام است و پیروان بودیسم، کنفوسیوس، مسیحیت و سایر ادیان نیز برای انجام امور مذهبی خود از آزادی کامل برخوردارند. دولت مالزی تنها سه مورد از معاهدات بین المللی حقوق بشر را تصویب کرده است. شامل کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل اختیاری آن درباره کودکان در درگیری های مسلحانه و فروش کودکان، فحشا و

پورنوگرافی و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (UN Treaty Body Data Base/ Malaysia).

۳-۱. نوع کنش و واکنش در قبال کنوانسیون‌های بین‌المللی ذی‌ربط

کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه زن و خانواده به‌شمار می‌روند. نهادهای نظارتی این دو کنوانسیون با دریافت گزارش‌های دوره‌ای کشورها و صدور ملاحظات خود بر این گزارش‌ها، بر تطابق عملکرد دولت‌های عضو با مفاد کنوانسیون، نظارت می‌نمایند. کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۹، در سال ۱۹۸۱ قدرت اجرایی یافت. در حال حاضر ۱۸۹ کشور، عضو این کنوانسیون می‌باشند.^۱ کنوانسیون حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ دارای ۵۴ ماده و ۳ پروتکل الحاقی است.^۲ در حال حاضر، ۱۹۶ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند. نوع کنش و واکنش دولت‌ها در قبال این دو کنوانسیون از جمله الحاق یا عدم الحاق، صدور اعلامیه یا اعلام شرط در هنگام تصویب این کنوانسیون‌ها، نحوه گزارش‌دهی به مرجع نظارتی آنها و نوع مواجهه با توصیه‌های کمیته‌های نظارتی هریک و نحوه واکنش در قبال تذکرات مصدافی دول غربی در سازمان ملل یا دیگر نهادهای مستقر در غرب از جمله شاخص‌های مهم ارزیابی میزان همگرایی یا واگرایی پنج کشور مورد مطالعه با استانداردهای بین‌المللی حوزه زن و خانواده به‌شمار می‌رود.

۳-۱-۱. نوع مواجهه با کنوانسیون منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان

دولت هند در سال ۱۹۹۳ با ارائه تحفظ بر بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون و صدور اعلامیه تفسیری نسبت به برخی از بندهای مواد ۵ و ۱۶، به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان پیوست.^۳ کمیته نظارتی

۱. پنج کشور سودان، سومالی، تونگا، واتیکان و ایران به این کنوانسیون نپیوسته‌اند. دو کشور آمریکا و پالائو این کنوانسیون را امضاء، ولی هنوز تصویب نکرده‌اند. ماده ۱۶ این کنوانسیون بطور خاص به خانواده اختصاص دارد.

۲. کشور آمریکا این کنوانسیون را امضا ولی هنوز تصویب نکرده است. سه پروتکل الحاقی به این کنوانسیون عبارتند از: پروتکل اختیاری خرید و فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان مصوب سال ۲۰۰۰ و لازم‌الاجرا در سال ۲۰۰۲، پروتکل اختیاری بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه مصوب سال ۲۰۰۰ و لازم‌الاجرا در سال ۲۰۰۰، پروتکل اختیاری آیین مکاتبات (امکان دادخواهی کودکان به کمیته حقوق کودک) مصوب سال ۲۰۱۱ و لازم‌الاجرا در سال ۲۰۱۴.

۳. در اعلامیه تفسیری این کشور آمده: الف) با توجه به مواد ۵ (الف) و ۱۶ (۱) کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، دولت جمهوری هند اعلام می‌کند که باید این مقررات را مطابق با سیاست خود مبنی بر عدم مداخله در امور شخصی هر گروه اعمال کند. با توجه به ماده ۱۶ (۲) کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، دولت جمهوری هند اعلام می‌کند که اگرچه اصولاً از اصل ثبت اجباری حمایت می‌نماید، اما در مورد ازدواج، در کشور پهناوری مانند هند با انواع آداب و رسوم، مذاهب و سطح سواد، این امر عملی نیست.

معاهده در ملاحظات خود بر گزارش دوره‌ای این کشور، خواستار آن شد که دولت، دسترسی به سقط جنین سالم و برابری در ازدواج و روابط خانوادگی را فراهم آورد.^۱ کشور چین در سال ۱۹۸۰ به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان پیوست. در حالی که با اعلام تحفظی، خود را ملزم به بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون ندانست. کمیته نظارتی معاهده مزبور در ملاحظات نهایی خود بر گزارش دوره‌ای این کشور نسبت به کلیشه‌های موجود در چین در خصوص نقش و مسئولیت زنان و مردان در خانواده، رویه‌های اجباری تنظیم خانواده از جمله سقط جنین اجباری و تبعیض علیه همجنس‌گرایان، ابراز نگرانی کرده است. مطالعات انجام‌شده در خصوص وضعیت زنان در این کشور، حاکی از آن است که در کشور چین همچنان تفاوت‌های آشکار و پنهانی بین مردان و زنان در عرصه‌های عمومی و خصوصی وجود دارد؛ به‌ویژه در بازار کار و مشارکت سیاسی. علاوه بر این، صداهاى قدرتمندی وجود دارند که زنان را تشویق به بازگشت به خانه و واگذاری محیط کار به مردان می‌کنند (Yang, 2020, p. 23).

دولت اندونزی در سال ۱۹۸۰ با ارائه شرط بر مفاد بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، به این معاهده پیوست. کمیته نظارتی این معاهده در بررسی گزارش دوره‌ای این کشور، اظهار داشت که هیچ تعریف روشنی از تبعیض، مطابق با کنوانسیون در قانون اساسی یا سایر قوانین این کشور وجود ندارد. مفاد این کنوانسیون به‌طور مداوم در سطح استانی اجرا نمی‌شود و افزایش نفوذ گروه‌های مذهبی بنیادگرا که از تفسیرهای مبتنی بر قوانین شرعی حمایت می‌کنند، منجر به تبعیض علیه زنان شده است.^۲ این کمیته در ملاحظات نهایی خود نسبت به ختنه زنان، فقدان جرم‌انگاری در مورد تجاوز زناشویی، ضرورت طی روند پزشکی برای تغییر جنسیت و تعیین هویت و گرایش جنسی، محدودیت سقط جنین، وضعیت همجنس‌گرایان، ریاست مرد بر خانواده، تبعیض علیه زنان در قوانین مربوط به ازدواج و خانواده و ازدواج زیر ۱۸ سال در اندونزی، ابراز نگرانی نمود.

پاکستان، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را در سال ۱۹۹۶ با ارائه تحفظ بر بند ۱ ماده ۲۹ و اعلام اینکه، الحاق جمهوری اسلامی پاکستان تابع مقررات قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان است، به تصویب رساند. پاکستان در گزارش‌های دوره‌ای به کمیته نظارتی معاهده مزبور، بر پیشرفت‌های حاصله این کشور در حصول برابری جنسیتی، دسترسی برابر زنان و مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی، از جمله حق رأی و شرکت در انتخابات و همچنین فرصت‌های ایجادشده برای آموزش، بهداشت و اشتغال تأکید کرده است. پنجمین گزارش دوره‌ای پاکستان به کمیته نظارتی معاهده یادشده در سال ۲۰۱۸ ارائه شد و کمیته در ملاحظات نهایی خود بر این گزارش، در سال ۲۰۲۰ از دولت پاکستان درخواست کرد تا همه اشکال خشونت علیه زنان را بدون هرگونه استثنایی جرم‌انگاری نماید، اجرای مؤثر قانون

1. CEDAW/C/IND/CO/4-5, 2014, 11&14

2. CEDAW/C/IDN/CO/6-7

مالزی در سال ۱۹۹۵ با اعلام شروطی، به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان پیوست. دولت مالزی اعلام داشت که الحاق مالزی منوط به آن است که، مفاد کنوانسیون با مقررات شریعت اسلامی و قانون اساسی فدرال مالزی مغایرت نداشته باشد. افزون بر این، دولت مالزی خود را ملزم به برخی از مفاد این کنوانسیون ندانست.^۱ دولت مالزی، شش سال پس از پیوستن به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، وزارت زنان، خانواده و توسعه اجتماعی را تأسیس کرد (Syahirah, 2015, p. 524) و در ژوئیه ۲۰۱۰، برخی از ملاحظات و شروط الحاق خود را نسبت به کنوانسیون، پس گرفت. با این حال، ملاحظات این کشور بر ماده (۲)۹ در مورد حقوق برابر زنان با مردان در رابطه با تابعیت فرزندان و

۱. در تحفظ این کشور اعلام شده: دولت مالزی خود را ملزم به مفاد مواد ۹ (۲)، ۱۶ (۱) (الف)، ۱۶ (۱) (c)، ۱۶ (f) (1) و ۱۶ (۱) (g) از کنوانسیون مذکور نمی‌داند. در رابطه با ماده ۱۱ کنوانسیون، مالزی مفاد این ماده را به عنوان اشاره‌ای به ممنوعیت تبعیض، براساس برابری بین زن و مرد تفسیر می‌کند.

ماده ۱۶ بندهای مرتبط با حقوق برابر در ازدواج؛ حقوق و مسئولیت‌های برابر در طول زوجیت و در زمان انحلال آن؛ حقوق و مسئولیت‌های برابر در مقوله قیمومیت، سرپرستی و فرزندخواندگی کودکان، حقوق یکسان زن و شوهر، از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل، همچنان باقی ماند.

کمیته منع تبعیض علیه زنان در بررسی گزارش دوره‌ای این کشور، نسبت به تداوم کلیشه‌ها و نگرش‌های خاص در خصوص نقش‌ها و مسئولیت‌های زنان و مردان در خانواده و جامعه، که زنان را عمدتاً به عنوان مادر و مراقب به تصویر می‌کشد و مانع از پیشرفت و پیشبرد تساوی جنسیتی و مشارکت برابر زنان در حیات سیاسی و توانمندسازی اقتصادی آنان می‌شود و به ویژه اعمال تبعیض و کلیشه‌ها نسبت به زنان همجنس‌گرا، جرم‌انگاری نکردن تجاوز زناشویی، کفتری دانستن برخی روابط جنسی مبتنی بر رضایت، بارداری و تولد کودک خارج از ازدواج، کفتری دانستن روسپیگری و قانونی نبودن سقط جنین، ابراز نگرانی نمود (CEDAW, 2006).

در سال ۲۰۲۲، مالزی قانون مقابله با آزار و اذیت جنسی را تصویب کرد؛ که تعریف آزار و اذیت جنسی را به تمامی جنبه‌های زندگی شامل مدارس، فضاهای عمومی و فضای مجازی گسترش می‌دهد. پیش‌تر، آزار و اذیت جنسی تنها از طریق قانون کار در محیط‌های کاری ممنوع بود. علاوه بر این، قانون جدید، یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به هرگونه پرونده آزار و اذیت جنسی ایجاد کرد. در سال ۲۰۲۳، دولت مالزی یک کمیته تابعه هیئت دولت و یک کمیته فنی برای اصلاحات در قانون اساسی فدرال، در خصوص مسائل تابعیت تشکیل داد. این کمیته‌ها مطالعه‌ای جامع درباره اصلاحات پیشنهادی قانون اساسی فدرال مربوط به قوانین تابعیت انجام دادند که شامل مشاوره با ذی‌نفعان، مقایسه با قوانین سایر کشورها و بحث و بررسی در جلسات کمیته‌ها بود. این مطالعه به تدوین هشت اصلاحیه پیشنهادی برای بخش سوم قانون اساسی فدرال و همچنین جدول اول و دوم قانون اساسی فدرال منجر شد؛ که به موضوع تابعیت کودکان متولد شده در خارج از کشور از مادران دارای تابعیت مالزی می‌پردازد (OECD, 2024).

۳-۱-۲. نوع مواجهه با کنوانسیون حقوق کودک

دولت هند در زمان الحاق به کنوانسیون کودک در سال ۱۹۹۲ با اعلام اینکه، تجویز حداقل سن کار در حال حاضر عملی نیست، بر اجرای تدریجی مفاد ماده ۳۲ کنوانسیون کودک، به ویژه بند ۲ (الف) تأکید نموده است.^۱ دولت چین در زمان الحاق به کنوانسیون کودک در سال ۱۹۹۲، اعلام داشته که تعهدات خود را که در ماده ۶ کنوانسیون مقرر شده انجام می‌دهد؛ با این شرط که کنوانسیون با مفاد ماده ۲۵ قانون اساسی جمهوری خلق چین، در مورد تنظیم خانواده و مفاد ماده ۲ قانون کودکان صغیر

1. OHCHR/India

جمهوری خلق چین، مطابقت داشته باشد.^۱ دولت اندونزی، در زمان پیوستن به کنوانسیون کودک در سال ۱۹۹۰، تحفظی ارائه ننموده است. در قانون اندونزی، تصریح شده که ازدواج و کلیه امور مربوط به آن- مانند نفقه همسر، حضانت فرزندان و طلاق- براساس قوانین شرعی یا عرفی هر فرد تنظیم می‌شود.^۲ برخی، انتقاد نموده‌اند که این در عمل بدان معنی است که افراد با مذاهب مختلف، یا از گروه‌های قومی یا عرفی مختلف، مبتنی بر قوانین متفاوت اداره می‌شوند، ازجمله قوانین متمایز برای زنان. کشور پاکستان نیز در سال ۱۹۹۰، بدون قید و شرط به کنوانسیون کودک پیوسته است.^۳

دولت مالزی مفاد کنوانسیون حقوق کودک را در سال ۱۹۹۵ پذیرفته؛ اما نسبت به مواد ۲، ۷، ۱۴، ۲۸ بند ۱ (الف) و ۳۷ این کنوانسیون، تحفظ داشته و اعلام می‌کند که مقررات مذکور، فقط در صورتی قابل اجرا خواهد بود که با قانون اساسی، قوانین ملی و سیاست‌های ملی دولت مالزی مطابقت داشته باشد.^۴ کمیته حقوق کودک، به‌عنوان مرجع نظارتی معاهده مزبور، در ملاحظات اعلامی بر گزارش دوره‌ای مالزی، نسبت به عدم اقدام لازم دولت در خصوص تعیین سن کودک، آزادی بیان، آزادی تجمع و مشارکت کودک، انتقاد کرده است. همچنین در خصوص تعهدات دولت نسبت به عدم تبعیض، ثبت تولد، حق نام و ملیت، آزادی فکر، وجدان و مذهب، آموزش ابتدایی اجباری و رایگان برای همه و منع شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و امکان ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال در مالزی، ابراز نگرانی نموده است. کمیته، خاطرنشان کرده که علی‌رغم تصویب امکان آموزش جنسی در مدارس این کشور، محتوای آموزش بهداشت اجتماعی و باروری به‌شدت متأثر از اخلاق دینی است و به‌جای یک رویکرد حق‌محور نسبت به جنسیت و تمایلات جنسی، پرهیز و اجتناب را ترویج می‌کند (CEDAW, 2018, para 35).

۳-۲. نوع کنش و واکنش دولت‌های مورد مطالعه در قبال برخی موضوعات چالشی مطرح در حوزه زن و خانواده

در ادامه مطالعه، نوع مواجهه دولت‌های مورد مطالعه در قبال برخی موضوعات چالشی مطرح در حوزه زن و خانواده را به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی میزان همگرایی یا واگرایی پنج کشور مورد مطالعه با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر پیرامون تعریف کودک، معیار تعیین مسئولیت کیفری، سن ازدواج، نوع مواجهه با سقط جنین، نوع برخورد با روابط جنسی و شناسایی یا رد هویت‌های جنسی متنوع و روابط تابعه، بررسی می‌شود.

1. OHCHR/China

۲. قانون ازدواج جمهوری اندونزی، مصوب ۱۹۷۴.

3. OHCHR/Pakistan

4. OHCHR/Malaysia

۳-۲-۱. سن ازدواج

در هندوستان، قانون ویژه ازدواج سال ۱۹۵۴ و قانون منع ازدواج کودکان سال ۲۰۰۶، سن ۱۸ و ۲۱ سال را به عنوان حداقل سن ازدواج برای زنان و مردان تعیین کرده است. در سال ۲۰۲۱ لایحه منع ازدواج کودکان، در این کشور ارائه شد که این لایحه، قانون منع ازدواج کودکان سال ۲۰۰۶ را، اصلاح می‌کند و حداقل سن ازدواج را برای زنان به ۲۱ سال افزایش می‌دهد و آن را با مردان برابر می‌کند. علاوه بر این، این لایحه هر قانون، عرف یا رویه دیگری را بی اعتبار می‌داند (PRS Legislative Research, 2021). در چین، حداقل سن ازدواج برای مردان ۲۲ سال و برای زنان ۲۰ سال است و قانون سال ۱۹۸۰ این کشور نیز، ازدواج دیر هنگام و به تأخیر افتادن فرزندآوری را تشویق کرده بود. نظر به اینکه این کشور با چالش‌های عمیق جمعیتی ناشی از پیر شدن سریع جمعیت خود روبه‌رو شد، مجموعه‌ای از سیاست‌های جدید حمایتی از زاد و ولد را معرفی نمود. در سال ۲۰۱۳، چین به زوج‌ها اجازه داد در صورتی که یکی از والدین، تک‌فرزند باشد، صاحب فرزند دوم شوند و در سال ۲۰۱۶ به زوج‌های متأهل اجازه داد دو فرزند داشته باشند و به این ترتیب، سیاست تک‌فرزندی چندین دهه‌ای را کنار گذاشت. در سال ۲۰۲۱، حمایت از زوج‌هایی که مایل به داشتن فرزند سوم هستند نیز اعلام شد (Attane, 2022, p. 2). در اندونزی بنا به اصلاحیه سال ۲۰۱۹، سن ازدواج دختران با اجازه والدین از ۱۶ به ۱۹ سال افزایش یافت تا با سن پسران که ۱۹ سال است برابر باشد. طبق قانون ازدواج سال ۱۹۷۴، سن ازدواج برای زنان و مردان، بدون اجازه والدین ۲۱ سال است (UNICEF, 2019).

در پاکستان، میان ایالت‌های مختلف این کشور، تنها ایالت سند، قانون خود را اصلاح کرده است تا حداقل سن ۱۸ سال برای ازدواج پسران و دختران تعیین شود. سایر ایالات، ۱۸ سال برای پسران و ۱۶ سال برای دختران را به عنوان سن ازدواج تعیین کرده‌اند، البته دادگاه عالی لاهور، داشتن حداقل سن ازدواج متفاوت برای مردان و زنان در پنجاب را تبعیض آمیز اعلام کرد. در لایحه اصلاحی ازدواج مسیحیان در سال ۲۰۲۴ نیز ۱۸ سال به عنوان حداقل سن ازدواج برای پسران و دختران مسیحی، تعیین شده است. این پیشنهاد توسط رهبران پروتستان و کاتولیک، مورد تشویق قرار گرفت (Introvigne, 2024).

طبق قوانین مالزی، ازدواج زیر سن قانونی برای غیرمسلمانان، تحت قانون ازدواج مدنی است. در حالی که، ازدواج زیر سن قانونی برای مسلمانان، تحت قانون خانواده اسلامی در دادگاه‌های سیریه است. طبق این نظام حقوقی دوگانه، حداقل سن قانونی ازدواج برای مردان مسلمان ۱۸ و برای زنان ۱۶ سال است. برای مردان و زنان غیرمسلمان، حداقل سن قانونی ۱۸ سال است. بحث برانگیزترین نکته قانون خانواده اسلامی کنونی این کشور، مربوط به بخش‌هایی است که اجازه ازدواج دختران زیر ۱۸ سال را با کسب اجازه از سروریز یا قضات سیریه^۱ می‌دهد (Jamaiudin, 2023).

1. Chief Minister or Syariah judges

۳-۲-۲. سقط جنین

در هند از سال ۲۰۲۱، اصلاحیه قانون خاتمه پزشکی بارداری، لازم‌الاجرا شد و امکان سقط جنین از ۲۰ به ۲۴ هفته افزایش یافت. در ختم بارداری کمتر از ۲۰ هفته ثبت نظر یک پزشک و برای مدت ۲۰ تا ۲۴ هفته ثبت نظر دو پزشک، الزامی است. سقط جنین در چین در تمام مراحل بارداری، قانونی است و به‌طور کلی در سراسر کشور، قابل دسترسی است. سقط جنین برای اکثر زنان از طریق برنامه تنظیم خانواده چین، بیمارستان‌های دولتی، بیمارستان‌های خصوصی و کلینیک‌ها در سراسر کشور در دسترس است.

سقط جنین در اندونزی، پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان، غیرقانونی است؛ به استثنای موارد اورژانس پزشکی و تجاوز جنسی. براساس قانون جدید کیفری اندونزی مصوب ۲۰۲۲، زنان باردار می‌توانند تا ۱۴ هفته بارداری به سقط جنین دسترسی داشته باشند؛ البته تنها در موارد تجاوز، آزار جنسی، یا وضعیت اضطراری پزشکی. پیش از این، سقط جنین فقط تا شش هفته مجاز بود. این تغییرات، اندونزی را با استانداردهای سازمان جهانی بهداشت برای مدت زمان بارداری هماهنگ می‌کند. افزودن شرط «آزار جنسی» نیز یک پیشرفت جدید است؛ زیرا قانون کیفری قبلی، تنها به تجاوز و شرایط اضطراری پزشکی اشاره داشت. افرادی که خارج از این شرایط مشخص شده سقط جنین انجام دهند، با خطر چهار سال زندان مواجه می‌شوند (ماده ۴۶۳). کسانی که خدمات سقط جنین ارائه می‌دهند نیز، ممکن است به پنج سال زندان محکوم شوند؛ اگر زن رضایت داشته باشد و تا ۱۲ سال، اگر رضایت نداشته باشد (ماده ۴۶۴). پزشکان، ماماها، پیراپزشکان، و داروسازانی که خارج از شرایط مجاز، سقط جنین انجام دهند یک‌سوم به مجازات زندان آنها اضافه خواهد شد (Jakarta Feminist, 2022).

در مالزی، سقط جنین طبق ماده ۳۱۲ قانون مجازات ۱۹۳۶، جرم شناخته می‌شود؛ مگر اینکه به منظور حفظ جان یک زن یا حفظ سلامت جسمی یا روانی او انجام شود. با این حال، طبق نظر شورای ملی فتوا، زنان مسلمان متأهل برای خاتمه بارداری نیاز به رضایت شوهران خود دارند. طبق بخش‌های ۳۱۶-۳۱۲ قانون مجازات، انجام سقط جنین برای نجات جان مادر یا در مواردی که سلامت جسمی یا روانی آنها در خطر است، برای ۱۲۰ روز اول (تقریباً ۴ ماه) بارداری مجاز است. سقط جنین به دلایل تجاوز جنسی، زنا یا محارم، بنا به درخواست یا به دلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی، غیرقانونی است (WAO, 2019, p. 264).

در پاکستان (ماده ۳۳۸ قانون مجازات ۱۸۶۰، آخرین اصلاحات ۲۰۱۲)، درخصوص سقط جنین در مقررات کیفری جرم‌انگاری شده و مجازات تعزیری و دیات، مقرر گردیده است (WHO, 2023). البته در این کشور، امکان سقط جنین قانونی در موارد تهدید سلامت و در اوایل بارداری برای درمان ضروری پیش‌بینی شده است. کمیته حقوق بشر به‌عنوان مرجع نظارتی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی در سال ۲۰۱۴، ضمن انتقاد از مقررات سقط جنین پاکستان، به این کشور توصیه کرد که سقط جنین را در ۷

مورد، مورد پذیرش قرار دهد. شامل نجات جان زن باردار، حفظ سلامت فیزیکی زن، حفظ سلامت روانی زن، جهت جلوگیری از موارد نقصان و معلولیت جنین، در موارد بارداری ناشی از تجاوز، به علل اقتصادی یا اجتماعی و نهایتاً بنا به درخواست مادر (Saleem, 2022).

۳-۲-۳. همجنس گرایی

در هندوستان، همجنس گرایی ممنوعیت کیفری ندارد؛ اما ازدواج همجنس گرایان، رسمیت قانونی ندارد. در سال ۲۰۲۳، دیوان عالی این کشور از رسمیت قانونی بخشیدن به ازدواج همجنس گرایان یا اتحادیه‌های مدنی، امتناع کرد و این موضوع را به پارلمان یا قوه مقننه ایالتی واگذار کرد. در چین نیز، همجنس گرایی با ممنوعیت کیفری مواجه نیست؛ در عین حال، ازدواج همجنس گرایان رسمیت قانونی ندارد. در حالی که فعالیت جنسی زن و مرد همجنس، قانونی است؛ زوج‌های همجنس در حال حاضر قادر به ازدواج یا فرزندخواندگی نیستند و خانواده‌هایی که سرپرستی آنها را برعهده دارند، واجد شرایط حمایت قانونی مشابه زوج‌های دگرجنس‌گرا نیستند (LGBT Equality Index/India, 2024).

در اندونزی وضعیت قانونی مربوط به همجنس گرایی، در ایالت‌های مختلف، متفاوت است. در عین حال، ازدواج همجنس گرایان با ممنوعیت مواجه است. در اندونزی، هیچ‌گونه شناسایی قانونی برای ازدواج‌های همجنس‌گرا وجود ندارد. ماده ۱ قانون شماره ۱ سال ۱۹۷۴ در مورد ازدواج به طور قاطع اعلام می‌کند که ازدواج «یک پیوند جسمی و روحی میان یک مرد و یک زن به عنوان شوهر و همسر است که هدف آن، ایجاد یک خانواده شاد و پایدار براساس ایمان به خداوند متعال» می‌باشد. علاوه بر این، ماده ۲ قانون مزبور بیان می‌کند که ازدواج تنها در صورتی مشروع است که با قوانین ادیان طرفین، منطبق باشد. در همین حال، به استناد ماده ۱ قانون ازدواج، اندونزیایی‌هایی که در خارج از کشور ازدواج همجنس‌گرایانه کرده‌اند، اجازه ثبت ازدواج خود را در اندونزی ندارند.

همچنین، ماده (۱) ۳۴ قانون شماره ۲۳ سال ۲۰۰۶ در مورد اداره امور مدنی، تمام ازدواج‌ها را ملزم به گزارش به مقامات محلی در ظرف ۶۰ روز پس از ازدواج می‌کند و به موجب این ماده، «ازدواج» تنها می‌تواند توسط یک مرد و یک زن انجام شود (LGBT Equality Index/Indonesia, 2024). در ژوئیه ۲۰۱۵، وزیر امور مذهبی اندونزی اظهار داشت که قانونی کردن ازدواج همجنس‌گرایان، برای اندونزی دشوار است؛ زیرا هنجارهای عمیق مذهبی، به شدت مخالف آن است. در دسامبر ۲۰۲۲، پارلمان اندونزی طرحی را مطرح کرد که تا حدی رابطه جنسی خارج از ازدواج و رابطه جنسی دگرجنس‌گرا را جرم می‌داند. پیشنهاددهنده لایحه، اظهار داشت که پیش‌نویس لایحه، اعمال جنسی خصوصی همجنس‌گرایان را جرم‌انگاری نمی‌کند. در حال حاضر، قانون جزایی فعلی که روابط خارج از ازدواج را جرم‌انگاری نمی‌کند، همچنان به قوت خود باقی است.

در پاکستان، همجنس‌گرایی ممنوع است و مجازات دارد. ازدواج همجنس نیز با ممنوعیت مواجه می‌باشد. همجنس‌گرایی در پاکستان طبق ماده ۳۷۷ از قانون جزای پاکستان، غیرقانونی است. مجازات نقض ماده ۳۷۷ می‌تواند از دو سال تا حبس ابد، جریمه نقدی یا هر دو باشد. در سال ۲۰۱۸، پارلمان پاکستان قانون تراجنسیتی‌ها (حمایت از حقوق) را تصویب کرد، که حقوق مهمی را به ترنس‌ها اعطا کرد. در مالزی، همجنس‌گرایی ممنوع است و مجازات دارد. ازدواج همجنس نیز ممنوع است. دولت مالزی، به‌طور علنی از افراد همجنس‌گرا انتقاد می‌کند و افرادی که از هویت‌های جنسی غیر از هویت‌های سنتی و متعارف تبعیت می‌کنند، ممکن است با چالش‌ها و تبعیض‌های قانونی و اجتماعی مواجه شوند. دولت به‌طور کلی دیدگاه‌های منفی در مورد حقوق گروه‌های موسوم به «ال جی بی تی آی» دارد و قوانینی در این کشور وجود دارد که برخی از رفتارهای مرتبط با هویت جنسی غیرمتعارف را جرم می‌داند (LGBT Equality Index/Malaysia, 2024). گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه سلامت و گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق فرهنگی به علت همین رویکرد دولت مالزی علیه افراد همجنس‌گرا، انتقاداتی را مطرح کرده‌اند.

۳-۳. ابتکارات خاص ملی یا منطقه‌ای مربوط به حقوق زن، کودک و خانواده در جهت همگرایی یا واگرایی با نظام بین‌المللی

۳-۳-۱. سازوکار موسوم به آسه‌آن

از میان پنج کشور مورد بررسی، دو کشور اندونزی و مالزی، عضو سازمان بین‌المللی منطقه‌ای انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) می‌باشند.^۱ متعاقباً کمیسیون آسه‌آن، برای ترویج و حمایت از حقوق زنان و کودکان در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد. این کمیسیون از اجرای کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون رفع همه‌اشکال تبعیض علیه زنان حمایت می‌کند. اما هیچ سازوکار اجرایی برای تضمین رعایت و دریافت و بررسی شکایات از نقض این حقوق وجود ندارد. چندین اعلامیه مرتبط با حقوق زنان و کودکان نیز در آسه‌آن به تصویب رسیده است؛ تا همکاری‌های منطقه‌ای در این زمینه تقویت شود. ازجمله اعلامیه پیشرفت زنان در منطقه آسه‌آن مصوب ۱۹۸۸، اعلامیه آسه‌آن علیه قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان مصوب ۲۰۰۴، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان در منطقه آسه‌آن مصوب ۲۰۰۴، اعلامیه هانوی درباره ارتقای رفاه و توسعه زنان و کودکان آسه‌آن مصوب ۲۰۱۰، کنوانسیون مقابله با قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان مصوب ۲۰۱۵ (Foreign and Commonwealth Office, 2016, p. 2).

۱. انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) در تاریخ ۸ اوت ۱۹۶۷ تأسیس شد. کشورهای عضو این انجمن شامل برونئی دارالاسلام، کامبوج، اندونزی، جمهوری دموکراتیک خلق لائوس، مالزی، میانمار، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام هستند. دبیرخانه آسه‌آن در جاکارتا، کشور اندونزی مستقر است.

کمیسیون آسه‌آن برای ترویج و حمایت از حقوق زنان و کودکان، بر موضوعات مختلفی تمرکز دارد؛ از جمله مبارزه با خشونت علیه زنان، آشکال متعدد تبعیض علیه زنان آسیب‌پذیر، برابری جنسیتی و آموزش با کیفیت، قاچاق زنان، ازدواج در سنین پایین و سلامت باروری، مشارکت زنان در سیاست و تصمیم‌گیری، حکمرانی و دموکراسی، زنان مبتلا به ایدز یا تحت تأثیر آن، تأثیرات اجتماعی تغییرات اقلیمی بر زنان، نقش زنان در بلایای طبیعی، تقویت حقوق اقتصادی زنان با توجه به زنانه شدن فقر، حق زنان در مالکیت زمین و دارایی، مقابله با تبعیض علیه زنان براساس ملیت و شهروندی، اقدامات اداری و سیاست‌گذاری در امور خانوادگی. به نقل از نماینده وقت مالزی در کمیسیون آسه‌آن برای ترویج و حمایت از حقوق زنان و کودکان، اعلام شده که توانمندسازی زنان، ادغام جنسیتی، برابری جنسیتی و فرصت‌های برابر، همگی به یکدیگر مرتبط و دارای اهمیت هستند. وی همچنین قاچاق انسان را یکی از مسائل نگران‌کننده‌ای دانسته که آسه‌آن باید به آن بپردازد. وی تأکید کرده است که همه برنامه‌ها و ابتکارات این کمیسیون، قطعاً براساس چارچوب‌های کنوانسیون رفع همه آشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک، طراحی شده‌اند و غیر معمول است که در پروژه‌ها به کنوانسیون‌های مزبور ارجاع نشود (Syahirah, 2015, p. 523).

راهنمای آسه‌آن برای تدوین رویه‌های استاندارد عملیاتی ملی در پاسخ هماهنگ به خشونت علیه زنان و دختران با هدف ایجاد رویه‌های استاندارد ملی مشترک، برای رسیدگی به خشونت علیه زنان و دختران در سال ۲۰۲۳ تدوین شد. این راهنما بر اهمیت همکاری بین بخشی و هماهنگی خدمات مختلف تأکید دارد؛ تا پاسخی یکپارچه و مبتنی بر حمایت از قربانیان، ارائه شود و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از رویکردهای حساس به جنسیت و مبتنی بر حمایت از قربانیان در رسیدگی به موارد خشونت علیه زنان و دختران، از جمله زنان و دختران گروه‌های آسیب‌پذیر، استفاده کرد. راهنمای آسه‌آن با مشارکت کمیته زنان آسه‌آن و کمیسیون آسه‌آن برای ترویج و حمایت از حقوق زنان و کودکان و با همکاری دفتر آسیا اقیانوسیه سازمان ملل در امور زنان تدوین شده است^۱ (Mauney, 2023, p.11).

در سال ۲۰۱۶ نیز، برنامه اقدام منطقه‌ای آسه‌آن برای حذف خشونت علیه زنان برای دوره زمانی ۲۰۲۵-۲۰۱۶ نهایی شد و کشورها موظف شدند تا در راستای تحقق این برنامه در سطح ملی، اقدام

۱. تهیه این سند با حمایت طرح EU-UN Spotlight برای حذف خشونت علیه زنان و دختران در چارچوب برنامه «امن و عادلانه: تحقق حقوق و فرصت‌های زنان کارگر مهاجر در منطقه آسه‌آن» (Safe and Fair) صورت گرفته است. برنامه Safe and Fair بخشی از ابتکار جهانی Spotlight برای حذف خشونت علیه زنان و دختران تا سال ۲۰۳۰ است که یک همکاری چندساله بین اتحادیه اروپا (EU) و سازمان ملل متحد (UN) محسوب می‌شود. این برنامه بر کشورهای آسه‌آن تمرکز دارد و از طریق مشارکت بین سازمان بین‌المللی کار (ILO) و نهاد سازمان ملل در امور زنان (UN Women)، با همکاری دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) اجرا می‌شود.

نمایند. در بررسی میان‌دوره‌ای برنامه اقدام منطقه‌ای آسه‌آن برای حذف خشونت علیه زنان، دولت اندونزی گزارش داد که در راستای تحقق این برنامه اقدام، برنامه‌هایی را برای توانمندسازی جوانان در مبارزه با خشونت و ذهنیت‌های جنسیت‌زده اجرا کرده است. یکی از این برنامه‌ها، پویش «یک دانش‌آموز، یک خانواده را نجات می‌دهد» است که با هدف توانمندسازی جوانان برای حمایت از استحکام و توانمندسازی خانواده‌ها راه‌اندازی شده است. در راستای متوقف کردن رویه‌های زیان‌بار، اندونزی گام‌های اولیه لازم برای تغییر هنجارهای اجتماعی را برداشته است. وزارت امور دینی این کشور، همراه با سایر وزارتخانه‌های مرتبط، تحقیقاتی درباره ختنه زنان و ازدواج در سنین پایین انجام داده است تا عوامل خطر مرتبط با این مسائل را درک کرده و تدابیری برای پیشگیری از آنها طراحی کند.

مالزی نیز گزارش داد که برنامه‌ای به نام برنامه حمایت‌کیفری از زنان را اجرا کرده است؛ که شامل یک پویش سالانه برای حذف خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۸ بوده است. همچنین، در سال ۲۰۱۹، رویداد دویدن نارنجی را در سراسر کشور در تاریخ ۲۳ نوامبر، برگزار نموده که با آغاز پویش بین‌المللی ۱۶ روزه مقابله با خشونت علیه زنان (۲۵ نوامبر تا ۱۰ دسامبر) هم‌زمان بود. با همه این گزارش‌ها این دو کشور، جزو پنج کشور عضو آسه‌آن هستند که تاکنون برنامه ملی اقدام در زمینه رفع خشونت علیه زنان در سطح ملی به تصویب نرسانده‌اند (Belen, 2021, p. 21). دولت مالزی، هرسال بودجه‌ای را به سازمان‌های غیردولتی زنان، شوراهای ایالتی و پارلمانی زنان اختصاص می‌دهد؛ تا برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با توسعه زنان و خانواده را اجرا کنند. این برنامه‌ها شامل آموزش حقوقی، پویش‌های مقابله با خشونت علیه زنان، دوره‌های مهارت‌آموزی، توانمندسازی و ارتقای آگاهی جنسیتی در سطح جامعه می‌شود. همچنین در برنامه درسی رسمی، فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای، پویش‌هایی علیه زورگویی، آزار و اذیت و خشونت در مدارس و جوامع محلی گنجانده شده است. اندونزی و مالزی، هردو در خصوص منع خشونت علیه زنان قانون‌گذاری کرده‌اند (Sesric, 2021, p. 31).^۱ در قانون اندونزی، تجاوز زناشویی نیز

1. Indonesia: Law No. 23/2004 on the Elimination of Domestic Violence, 2004 /Malaysia: Domestic Violence Act, 1994.

اندونزی چندین قانون برای حمایت حقوقی در برابر خشونت علیه زنان دارد. قانون حذف خشونت خانگی شماره ۲۳ در سال ۲۰۰۴ معرفی شد و پس از آن در سال ۲۰۰۶، قانون حمایت از شهود شماره ۱۳ به تصویب رسید. این قانون شامل مقرراتی برای صدور دستورهای حفاظتی موقت و ارائه مشاوره به قربانیان/بازماندگان است. مالزی در سال ۲۰۱۷ در پاسخ به افزایش موارد خشونت خانگی، قانون اصلاحی پیشرفته‌ای در زمینه خشونت خانگی تصویب کرد. این قانون جدید، تعریف «خشونت خانگی» را در ماده ۲ قانون خشونت خانگی ۱۹۹۴ (که قانون اصلی مالزی در این حوزه است)، با افزودن سه بند جدید گسترش داده است. این قانون به زنان و مردان این امکان را می‌دهد که به‌راحتی به سازوکارهای مجری قانون، از جمله خدمات آنلاین دسترسی داشته باشند و چتر حمایتی جامع‌تری برای قربانیان خشونت خانگی فراهم می‌کند.

به رسمیت شناخته شده است (Belen, 2021, p. 40).

۳-۲-۳. سازمان همکاری اسلامی

از میان کشورهای مورد بررسی، سه کشور پاکستان، مالزی و اندونزی عضو سازمان همکاری اسلامی می‌باشند. این سازمان که در سال ۱۹۷۲ تأسیس شده است؛ به‌عنوان دومین نهاد بین‌المللی بین‌الدولی از حیث تعداد اعضا و متشکل از ۵۷ کشور اسلامی، در هریک از جنبه‌هایی که بر وضعیت کنونی زنان تأثیر می‌گذارد، فرآیندی را طی کرده و با هنجارسازی و ایجاد سازوکارهای مرتبط، در تلاش است تا جایگاه زنان و خانواده را در جوامع اسلامی ارتقاء داده و به چالش‌های موجود در این زمینه پاسخ دهد. هرچند در برخی موارد، این تجربه درخور توجه و منحصربه‌فرد بوده است؛ اما در بسیاری از موارد دیگر، در مقایسه با سایر سازمان‌ها، نتوانسته به سطح مورد انتظار دست یابد. سازمان همکاری اسلامی تلاش نموده است تا درک خود از حقوق زنان را بر مبنای موازین اسلامی و عرف و معاهدات بین‌المللی در چارچوب سند تأسیس سازمان، اعلامیه حقوق بشر در اسلام و برنامه‌های عمل سازمان ارائه دهد.^۱ در اسناد اجلاس سران، تحت عنوان قطعنامه‌های مرتبط با موضوعات اجتماعی و در جلسات شورای وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی، تحت عنوان قطعنامه‌های امور فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی نیز مسائل زنان و کودکان مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده است تا در زمینه حقوق زنان، هنجارسازی شود (صفاری‌نیا، ۱۳۹۸، ص ۳۰). سازمان در برنامه‌های عمل ده‌ساله خود (برنامه اول سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ و برنامه دوم ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) نیز هدف‌گذاری‌های مشخصی در جهت پیشبرد حقوق زنان و خانواده تعیین نموده، که از جمله آنها تشویق کشورهای اسلامی به پذیرش کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و پروتکل‌های الحاقی آن و کنوانسیون حقوق کودک است (میرمحمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۸).

مواد ۵، ۶ و ۷ اعلامیه سازمان همکاری اسلامی در خصوص حقوق بشر، مرتبط با خانواده و ازدواج، حقوق زنان و حقوق کودکان می‌باشند. در مقدمه برنامه عمل سازمان همکاری اسلامی برای ارتقای جایگاه زنان، به تعهدات دولت‌های عضو سازمان همکاری اسلامی در قبال اسناد و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی، به‌ویژه اعلامیه و برنامه عمل یکن‌مصبوب چهارمین کنفرانس جهانی زنان ۱۹۹۵ و

۱. ازجمله اسناد مصوب این سازمان عبارتند از: اعلامیه حقوق بشر کشورهای اسلامی ۱۹۹۰، میثاق حقوق کودک در اسلام ۲۰۰۴، برنامه عمل سازمان برای ارتقای جایگاه زنان ۲۰۱۶ و اعلامیه سازمان همکاری اسلامی در خصوص حقوق بشر ۲۰۲۰. شایان ذکر است در اعلامیه اخیر حقوق بشر مصوب سازمان که سند قبلی ۱۹۹۰ اصلاح گردید، شریعت محوری مفاد آن کنار گذاشته شد و تلاش گردید که ادبیات اعلامیه هماهنگی بیشتری با موازین بین‌المللی حقوق بشر پیدا کند.

بیست‌وسومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «زنان ۲۰۰۰»، تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱» اشاره شده است. سازمان توسعه زنان که در جمهوری عربی مصر مستقر است، به عنوان یک نهاد تخصصی سازمان همکاری اسلامی در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد و اساسنامه آن در سال ۲۰۲۰ لازم‌الاجرا شد. این نهاد با هدف توسعه و ارتقای نقش زنان در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی فعالیت می‌کند و از طریق آموزش، توانمندسازی و بازپروری، به تقویت ظرفیت‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌های زنان می‌پردازد. سازمان توسعه زنان در چارچوب ارزش‌های اسلامی، قطعنامه‌ها و توصیه‌های سازمان همکاری اسلامی را اجرا می‌کند و در حال حاضر، ۱۹ کشور عضو دارد (Women Development Organisation, 2024). پاکستان به اساسنامه سازمان توسعه زنان پیوسته است و در حاشیه شصت‌وهفتمین نشست کمیسیون مقام زن در نیویورک، بانی برگزاری کنفرانس زنان در اسلام: درک حقوق و هویت زنان در جهان اسلام شد. در این کنفرانس به سوءبرداشت‌های مداوم و باورهای نادرستی که درباره حقوق زنان در اسلام وجود دارد، پرداخته شد و تلاش گردید با تبیین درست ارزش‌های اسلامی، برخی تصورات نادرست رد شود (OIC, 2023).

۳-۴. تحلیل و ارزیابی

از بررسی به‌عمل آمده، یافته‌های متعددی حاصل می‌شود. ازجمله موارد زیر:

(۱) از سه امکانی که ابتدای طرح بحث، مطرح شد (تطابق کامل و همانندی با رویکرد غربی یا تضاد و تقابل جدی با رویکرد غربی و یا وضعیت همراهی و اشتراک با روندهای جهانی در عین داشتن برخی ویژگی‌ها و ملاحظات و دغدغه‌های خاص)، مشخص شد که احتمال سوم، مستندات مؤید خود را دارد و دو امکان دیگر، منتفی است. این وضعیت را ممکن است افرادی از دو نظر متفاوت تفسیر کنند. عده‌ای که شیفته ترویج جهان‌شمولی با تفسیر غربی هستند، ممکن است بگویند همین حد از تفاوت و اختصاصی‌گری درست نیست و باید جوامع شرقی خود را کاملاً با رویکرد جاری جهانی هماهنگ کنند. متقابلاً، ممکن است برخی در نقطه مقابل بگویند که، باید تلاش شود تا به هر میزان که تفاوت یا ویژگی اختصاصی هم‌اینک بین جوامع شرقی هست، توسعه پیدا کند، تا اشتراکات با رویکرد جاری جهانی کم شود؛ لذا، به این بخش به‌عنوان نقطه شروع توسعه اختلافات با غرب امید ببندند. به نظر می‌رسد هر دو تحلیل اخیر، درست نیست. پاسخ گروه اول (شیفتگان غرب و ایرادکنندگان به جوامع شرقی، ازجمله برخی از اتباع جوامع مورد مطالعه مقیم خارج از کشورهایشان، به‌ویژه در مغرب‌زمین که دائماً رویکرد غربی را مطلوب معرفی می‌کنند)، این است که این میزان از تفاوت و تأکید بر حفظ ویژگی‌های اختصاصی، فارغ از آنکه نشانه هویت ملی است، براساس موازین بین‌المللی حقوق بشر نیز مجاز است و حتی میان خود غربی‌ها نیز تفاوت‌های در این سطح را می‌توان ملاحظه نمود. در تحلیل حقوقی

بین‌المللی، دفاع از این میزان تنوع و تکثر فکری و فرهنگی را می‌توان از زاویه پذیرش تنوع فرهنگی به عنوان یکی از بحث‌های پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل که اسناد مشخصی، هم در یونسکو و هم در مجمع عمومی و شورای حقوق بشر دارد،^۱ توجیه کرد. همچنین می‌توان آن را براساس حقوق معاهدات بین‌المللی نیز توجیه کرد، که اجازه داده است کشورها حین الحاق به معاهدات بین‌المللی از حق تحفظ یا رزرو و شرط برخوردار شوند، یا بیانیه تفسیری خاص خود را در مورد موازین بین‌المللی که حتی خود در روند تهیه و تدوین آنها نقش داشته‌اند اعلام دارند.^۲ این پذیرش تنوع تفسیرها تا مرز عدم مابینت شرط با هدف و فلسفه معاهدات،^۳ دامنه انعطاف مهمی را در اختیار همه کشورها قرار می‌دهد و بر همین اساس نیز جوامع شرقی می‌توانند در مورد برخی مواد معاهدات حقوق بشر، ازجمله در حوزه زن و خانواده و کودک، تفسیر و ملاحظه خاص خود را بیان دارند. محور سومی که می‌توان به وسیله آن، این تنوع و تأکید بر ویژگی‌های منطقه‌ای شرقی را توجیه کرد، اعلامیه و بیانیه پایانی کنفرانس جهانی حقوق بشر وین مصوب ۱۹۹۳ است؛ که به صراحت تأکید کرده حقوق بشر باید جهان‌شمول و غیرقابل تفکیک و به‌هم‌پیوسته تلقی شود؛ اما در عین حال، باید ملاحظات تاریخی، مذهبی و فرهنگی جوامع نیز در روند اجرای حقوق بشر مد نظر قرار گیرد و دولت‌ها متعهد هستند که برای رعایت همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم، اقدامات لازم را انجام دهند.^۴ پاسخ گروه دوم این است که، واقعیات جهانی حکایت از آن دارد که کشورها تلاش می‌کنند و ترجیح می‌دهند در روندهای بین‌المللی بر اشتراکات و همگرایی بیفزایند؛ تا اینکه به دنبال توسعه اختلافات باشند و منافع همه کشورها اقتضا می‌کند که در سطح جهانی، منزوی و در حاشیه نباشند؛ بلکه در فرایندهای مختلف تصمیم‌گیری جهانی با حق برابر، مشارکت داشته

۱. در یونسکو اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی مصوب ۲۰۰۱ و کنوانسیون حمایت و پیشبرد تنوع بیان‌های فرهنگی مصوب ۲۰۰۵ و در مجمع عمومی و شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه‌های متعدد سالانه با عنوان حقوق بشر و تنوع فرهنگی (Human rights and cultural diversity) ازجمله مستندات حقوقی در دسترس برای فهم جزئیات این بحث هستند.

۲. برای جزئیات موازین مربوط به حق شرط یا تحفظ کشورها در قبال معاهدات بین‌المللی، نک: کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در مورد حقوق معاهدات، مواد ۲ و ۱۹ الی ۲۳. صدور اعلامیه تفسیری نیاز به تصریح در معاهده ندارد و حق صدور آن ناشی از قاعده عرفی می‌باشد. معمولاً بسیاری از دولت‌ها در قبال معاهدات مختلف ازجمله حتی معاهداتی که حق شرط نسبت به آنها در متن سند منع شده، اعلامیه تفسیری اعم از اعلامیه تفسیری صرف یا مفید صادر می‌کنند. برای مطالعه جزئیات این موضوع، نک: هدایت‌الله فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، نشر نو، چاپ ششم، ۱۴۰۱.

۳. برابر مقرر بند ج ماده ۱۹ کنوانسیون وین مربوط به حقوق معاهدات.

۴. بند پنجم بیانیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر سال ۱۹۹۳ در این زمینه صراحت دارد. نک:

باشند. بر همین اساس، اگر کسانی بخواهند بر ویژگی‌های اختصاصی جوامع شرقی، از این زاویه حساب باز کنند که می‌توان آنها را توسعه داد و راه خود را از روندهای جاری موازین جهانی و نظام شناخته‌شده بین‌المللی حقوق بشر جدا کرد، غیرواقع‌بینانه است و نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. اما فارغ از این نکته، می‌توان از ظرفیت‌های مشترک و ویژگی‌های اختصاصی موجود بین جوامع شرقی بهره‌های مثبت دیگری گرفت که در ادامه اشاره می‌شود.

۲) این واقعیت که در جهان کنونی، دولت‌های غربی به اتکای قدرت اقتصادی و رسانه‌ای و سیاسی و نظامی خود تلاش دارند که از مقوله حقوق بشر سوءاستفاده سیاسی کنند یا برخورد دوگانه داشته یا استفاده ابزاری نمایند، واقعیتی غیرقابل کتمان است. همچنین، غیرقابل انکار است که متأسفانه در حوزه زن و خانواده، آنها برخی تجویزات را برای جهانیان مطرح می‌کنند که جز خسارت، ثمر دیگری ندارد. از همین رو، در مقابل زیاده‌خواهی یا تفاسیر نادرست آنها، دولت‌ها و جوامع دیگر در سراسر جهان، چاره‌ای جز این ندارند که اولاً حضور و مشارکت قوی و همه‌جانبه‌ای در عرصه بین‌المللی داشته باشند و دائماً کنشگری مؤثری از خود نشان دهند و اجازه ترک‌تازی و سوءاستفاده را به برخی دولت‌ها ندهند. ثانیاً ضمن تقویت جهان‌شمولی، حول ارزش‌های اصیل انسانی و اخلاقی که امری مثبت و مورد نیاز جامعه بشری است، در عین حال تلاش نمایند تا هویت خود را حفظ کرده و اجازه ندهند که جهانی‌سازی به‌عنوان یک پروژه^۱ و در چارچوب تحمیل یک الگوی سبک زندگی بر مردم سراسر دنیا محقق گردد. در این بخش، طبیعی است جوامعی که دغدغه‌های مشترک دارند سعی می‌کنند که نقاط اختصاصی بین همدیگر را تقویت کرده و در کنار اعلام مواضع منفرد خود در سطح بین‌المللی، به صورت جمعی و گروهی نیز کنشگری داشته و از حقوق و منافع عقلایی خویش دفاع نمایند. در این بخش، البته همانگونه که در مطالعه حاضر نیز نشان داده شد، نباید بر اوهام یا تصورات ذهنی خود روی دیگر کشورها حساب باز کرد؛ بلکه باید دقیقاً دیگر جوامع را شناخت و به صورت مستند تشخیص داد که در چه زمینه‌هایی و به چه میزان می‌توان روی همفکری و همراهی دیگران در مقابل رویکردهای رقیب، حساب کرد. و مبتنی بر چنین شناختی، رویکرد خاصی را متناسب با ظرفیت‌های موجود مطرح کرد؛ که می‌تواند در همراهی با دولت‌های اسلامی با عنوان رویکرد اسلامی به حقوق بشر یا به‌طور خاص، حقوق زن و خانواده معرفی و پیگیری شود و در همراهی با جوامع شرقی با عنوان رویکرد شرقی یا آسیایی به حقوق بشر یا حقوق زن و خانواده، ارائه و پی‌جویی گردد و در همراهی با کشورهای عضو جنبش عدم تعهد نیز با عنوان آن جنبش،

۱. در مغرب زمین از سال‌ها قبل آثار متنوعی منتشر شده که اعلام می‌دارند «جهانی‌سازی به‌مثابه یک پروژه»

(Globalization as a Project)، در واقع به معنای غربی‌سازی جهان است. به عنوان نمونه‌ای از این تحلیل‌ها نک:

Christoph Bertram, Globalization Means Westernization, Aug 13, 1998 (<https://www.project-syndicate.org>)

بر حفظ تنوع مورد نظر در مقابل یکنواخت‌سازی جهانی، تأکید صورت گیرد.

۳) حوزه زن و خانواده، یکی از حوزه‌هایی است که پیوند قابل توجهی با ابعاد فرهنگی و سنت‌ها و رویه‌های زیست مردم هر جامعه دارد. بسیاری از سنت‌های فرهنگی و عرف‌های ذی‌ربط، قواعد نانوشته‌ای هستند که ممکن است در قالب قوانین و موازین حقوقی دیده نشوند؛ اما بسیار اثرگذار هستند. همین امر موجب شده که رویکرد غالب سیاسی در سطح جهان تلاش کند تا با ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای خود، مدل فرهنگی مورد نظر خود را در جهان ترویج دهد. معمولاً بعد از اینکه بسترهای فرهنگی در جوامع مختلف، زمینه پذیرش الگوی غالب جهانی را پیدا می‌کنند موجبات تحولات حقوقی نیز سریع‌تر فراهم می‌شود. برخی از مواردی که ما به عنوان انحرافات اخلاقی و انسانی در حوزه زن و خانواده مطرح می‌کنیم و از توسعه آن نگران هستیم، اغلب در جوامع شرقی نیز ابتدا با ابزارهای فرهنگی وارد شده و بعد تحول در رویکرد حقوقی و قانونی، شکل گرفته است. همین واقعیت، ایجاب می‌کند که جوامع شرقی برای تقویت اشتراکات فرهنگی و هویت اصیل شرقی خود در حوزه حفظ خانواده و جلوگیری از صدمات گوناگون، تلاش‌های متناسبی را معمول دارند. طبیعتاً این امر، به معنای ایستادگی مقابل مطالبات برحق و عادلانۀ اصلاح سنت‌ها و رویه‌های ناعادلانه بومی نیست؛ بلکه به معنای آمادگی برای به‌کار بستن ابتکارات اصیل از درون فرهنگ و ظرفیت‌های خود جوامع شرقی است. به‌گونه‌ای که هم پالایش لازم در سنت‌ها و رویه‌های عرفی ناعادلانه بومی جوامع شرقی صورت گیرد و هم اینکه اجازه داده نشود که رویکرد سلطه‌جو به نام حقوق و آزادی، انواع انحرافات و تجویزات نادرست خود را به جوامع شرقی تحمیل کند.

۴) جوامع شرقی اگر بر حفظ درست و دقیق ویژگی‌های اختصاصی خود در عین مشارکت مؤثر جهانی مصمم باشند، طبیعتاً باید خود، پیش‌قدم شکل‌دهی به سازوکارهای متناسب ارتقای حقوق بشر در سطح قلمرو مشترک خویش شوند و در همین چارچوب، برای ارتقای حقوق زن و خانواده نیز ترتیبات لازم نظارتی مؤثر را در سطوح ملی کشورهاشان و در سطح مناسبات بین جوامع شرقی شکل دهند. تا مردم این جوامع، در عمل ببینند که سازوکارهای نظارت بر تضمین رعایت حقوق، این‌گونه نیست که فقط در غرب یا دیگر مناطق موجود باشد؛ اما در سطوح ملی یا منطقه‌ای آنها نباشد یا فقط اسمی و غیرکارآمد باشد. استمرار خلأها و نارسایی‌های موجود، خودبه‌خود زمینه ترویج رویکرد رقیب به‌عنوان رویکرد کارآمد و مؤثر را فراهم می‌سازد و در چنین وضعیتی، حکومت‌ها اگر هم از رویکرد اسلامی یا شرقی یا جنبش عدم تعهد یا کشورهای جنوب و هر اسم دیگری سخن به میان آورند همراهی مردمی را با خود نخواهند داشت و بدین ترتیب، مستمراً رویکرد رقیب بر جوامع آنها نیز غالب خواهد شد و حتی توان آن را دارد که زمینه براندازی نظام‌های سیاسی مانع را با بازیگری و نقش‌آفرینی مردم خودشان فراهم آورد.

۵) پیشنهاد می‌شود، در حوزه زن و خانواده که محور تأمل فشرده حاضر بود، در گام نخست، فهرستی

از مواردی که دغدغه‌های مشترک بین جوامع شرقی هستند، تهیه گردد و همکاری‌های مشترک حول همان موضوعات و محورها، توسعه پیدا کند. همین کار، اگر در سایر زمینه‌های حقوق بشر و آنچه در ابتدای مطالعه حاضر با عنوان کلان‌پروژه از آن یاد شد، بر مبنای مطالعه و شناخت دقیق و معتبر انجام شود، آنگاه نشان دادن اشتیاق حرکت در جهت شناسایی و معرفی رویکرد شرقی به حقوق بشر به عنوان یک گفتمان مؤثر در عرصه جهانی و بهره‌گیری کاربردی از آن، در مواجهه با سیطره‌طلبی‌های نامشروع جریان‌های رقیب، معنادار جلوه خواهد کرد.

۴. نتیجه‌گیری

امکان‌سنجی رویکرد شرقی به حقوق بشر به طور عام و حقوق بشر زنان و خانواده به طور خاص، از گذر مطالعه موردی نوع نگرش و عملکرد پنج کشور آسیایی در قبال موازین بین‌المللی حوزه زنان و خانواده، نمونه و مدل کوچکی از روش‌شناسی مطالعاتی را در اختیار قرار داد؛ تا بتوان بر همین سیاق، در قلمرو گسترده مباحث حوزه مبانی، قواعد ناظر به طیف گسترده هریک از حقوق و آزادی‌های انسانی و روندهای اجرا و سازوکارهای نظارتی و اجرایی حقوق بشر، مطالعات لازم را انجام داد. بدین ترتیب، براساس شواهد علمی دقیق، اعلام کرد که تا چه اندازه می‌توان از رویکرد شرقی در مقابل یا در تعامل با سایر رویکردها، سخن به میان آورد و ظرفیت‌ها و کارکردهای این رویکرد در مقایسه با دیگر رویکردهای مطرح در سطح جهانی تا چه میزان است و در چه سطحی می‌تواند برخی چالش‌های پیش روی جوامع شرقی یا جهانی را برطرف سازد. بررسی پنج کشور آسیایی در حوزه نوع مواجهه آنها با موازین بین‌المللی حوزه زنان و خانواده مشخص کرد که کشورهای مختلف، همزمان، هم در روندهای مشترک جهانی و همگام با نظام بین‌المللی حقوق بشر حرکت و فعالیت می‌کنند و هم در تلاش هستند تا در سطوح ملی و بین‌المللی، برخی مسئله‌ها و دغدغه‌های خاص خود را مدیریت کنند. این واقعیت، اشتراکات و افتراقاتی را در دو سطح جهانی و منطقه‌ای فراروی آنها قرار داده است. از هیچ کشوری نمی‌توان انتظار داشت که اشتراکات و افتراقات خود با دیگران را نادیده بگیرد؛ اما می‌توان تلاش کرد که اشتراکات، تقویت شده و موارد اختلاف نظری یا عملی، کاهش یابد. به هر میزان که جوامع شرقی برای تقویت اشتراکات بین خود در سطوح مختلف دولتی و غیردولتی بکوشند، طبیعتاً از اختلافات و شکاف‌ها و یا حتی بی‌اطلاعی آنها از یکدیگر کاسته می‌شود و این امکان برای آنها فراهم می‌شود تا در رقابت‌های جهانی، اجازه بی‌عدالتی و سیطره‌طلبی را به هیچ بازیگری ندهند؛ بلکه بالعکس، مروج نظم عادلانه، دموکراتیک و حق‌محور باشند. همین امکان منطقی‌انقدر اهمیت دارد که برای تحقق آن، تأملات نظری و برنامه‌ریزی عملی مؤثری صورت پذیرد. هرگونه تلاش فکری و کاربردی برای تقویت ظرفیت‌های مشترک جوامع شرقی در زمینه حقوق بشر، در درجه اول باید متمرکز بر ارتقای عینی حقوق انسانی در سطوح ملی این جوامع باشد؛

چراکه اگر حقوق انسانی براساس نگرش مورد پذیرش کشورهای شرقی در سطح داخلی خود مدعیان این رویکرد، رعایت نشود و افکار عمومی در حد گسترده ابراز رضایتمندی نکنند، خودبه خود رویکردهای رقیب، به ویژه رویکرد غربی، هم از حیث مشروعیت نظری و هم از جهت کارآمدی و اثربخشی عملی با اقبال عمومی مواجه خواهند شد. وقتی مردم یک کشور از الگوهای زیست و نظام ارزشی و حقوقی عرضه شده در جامعه خود دوری کنند، دیگران این شکاف را پر می کنند و از منافع آن نیز بهره مند می شوند. حوزه مربوط به حقوق زنان و خانواده، هم اینک یکی از حوزه های اصلی پرچالش در سطح جهانی است و همه رویکردها فعال هستند تا مخاطبان را به راه و روش خود جذب کنند. رویکرد شرقی اگر حرفی برای گفتن داشته باشد، باید آن را در سطوح ملی و جهانی، به خوبی معرفی کرده و در عمل، مطلوب بودنش را اثبات کند.



منابع

- صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۸). رویکرد سازمان همکاری اسلامی در زمینه ارتقای حقوق زن. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۶ (۲۰).
- میر محمدی، سیدمصطفی (۱۳۹۶). برنامه‌های عمل ده ساله سازمان همکاری اسلامی، صلح و امنیت بین‌المللی. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۴ (۱).
- ASEAN Commission on the Promotion and Protection of the Rights of Women and Children (ACWC) (2016). Progress Report on Women's Rights and Gender Equality. URL= <https://acwc.asean.org/resources/publications/progress-report-on-womens-rights-and-gender-equality>
- ASEAN Regional Plan of Action on the Elimination of Violence against Women (ASEAN RPA on EVAW) (2021). Association of Southeast Asian Nations. URL= <https://asean.org/wp-content/uploads/2021/01/ASEAN-Regional-Plan-of-Action-on-Elimination-of-Violence-Against-WomenAdopted.pdf>
- Attane, I. (2022). China's new Three-Child Policy: What Effects Can We Expect? *Population and Societies*. <https://doi.org/10.3917/popsoc.596.0001>
- Belen, K.M. (2021). *Mid-Term Review of the ASEAN Regional Plan of Action on the Elimination of Violence against Women (RPA on EVAW 2016–2025)*. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN). URL= <https://asiapacific.unwomen.org/en/digital-library/publications/2021/10/rpa-on-evaw-2016-2025>
- CEDAW Concluding Comments (2006). *Concluding comments of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women: Malaysia, CEDAW/C/MYS/CO/2*. URL= <https://digitallibrary.un.org/record/576254?ln=en>
- CEDAW Concluding Observations (2012). *Concluding observations of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women: Indonesia, CEDAW/C/IDN/CO/6-7*. URL= <https://digitallibrary.un.org/record/748335?ln=en>
- CEDAW Concluding Observations (2014). *Concluding observations on the combined fourth and fifth periodic reports of India (CEDAW/C/IND/CO/4-5, 2014,11&14)*. URL= <https://docs.un.org/en/CEDAW/C/IND/CO/4-5>
- CEDAW Concluding Observations (2018). *Concluding observations on the combined third to fifth periodic reports of Malaysia, para 35, CEDAW/C/MYS/CO/3-5*. URL= https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/SessionDetails1.aspx?SessionID=1157&Lang=en
- Introvigne, M. (2024). *Pakistan Raises Minimum Marriage Age for Christians to 18: Good—But*. URL= <https://bitterwinter.org/pakistan-raises-minimum-marriage-age-for-christians-to-18-good-but/>

- Jakarta Feminist (2022). URL= <https://saafund.org/indonesias-new-criminal-code-abortion/>
- Jamaiudin, N. (2023). *How Malaysia can get serious about child marriage*, 360 info Asia-Pacific. URL= <https://360info.org/how-malaysia-can-get-serious-about-child-marriage/>
- LGBT Equality Index. (2024). *China*. Equaldex. URL= <https://www.equaldex.com/region/china>
- LGBT Equality Index. (2024). *India*. Equaldex. URL= <https://www.equaldex.com/region/india>
- LGBT Equality Index. (2024). *Indonesia*. Equaldex. URL= <https://www.equaldex.com/region/indonesia>
- LGBT Equality Index. (2024). *Malaysia*. Equaldex. URL= <https://www.equaldex.com/region/malaysia>
- Mauney, R. (2023). *ASEAN Guidelines for Developing National Standard Operating Procedures for a Coordinated Response to Violence against Women and Girls*. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN). URL= <https://asiapacific.unwomen.org/en/digital-library/publications/2024/08>
- OECD (2024). *Laws and gender equality in Southeast Asia*. In: SIGI 2024 Regional Report for Southeast Asia: Time to Care. OECD Publishing, Paris. <https://doi.org/10.1787/6934f25a-en>
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). (n.d.). *India*. URL= <https://www.ohchr.org/en/countries/India>
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). (n.d.). *China*. URL= <https://www.ohchr.org/en/countries/China>
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). (n.d.). *Pakistan*. URL= <https://www.ohchr.org/en/countries/pakistan>
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). (n.d.). *Malaysia*. URL= <https://www.ohchr.org/en/countries/malaysia>
- Organisation of Islamic Cooperation (OIC) (2023). URL= https://www.oic-oci.org/topic/?t_id=38624&t_ref=26293&lan=en
- PRS Legislative Research (2021). *Legislative Brief, The Prohibition of Child Marriage (Amendment) Bill*. URL= www.prsindia.org
- Saleem, Sh. (2022). *Abortion Laws in the Islamic Republic of Pakistan: to what extent do social policies cater to human rights?* URL= <https://blogs.lse.ac.uk/humanrights/2022/03/22>
- Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRIC) (2021). *OIC Women and Development Report*. URL= <https://sesricdiag.blob.core.windows.net/sesric-site-blob/files/article/769.pdf>
- Syahirah SS, S. (2015). *Regional-Global Governance Network on Women's Rights: CEDAW and its implementation in ASEAN countries*. URL= <https://B2n.ir/g29318>
- UK Foreign and Commonwealth office (2016). *Research and Analysis, South East Asia: women's Status and Rights*. URL= <https://www.gov.uk/government/publications/south-east-asia-womens-status-and-rights>

- UN Treaty Body data base, Malaysia, Office of the High Commissioner for Human Rights [OHCHR], (n.d.). URL= https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/Treaty.aspx?CountryID=105&Lang=EN
- UN Women (2021). *Country Portfolio Evaluation and Audit, Pakistan, UN Women Pakistan Country Office*. URL= www.gate.unwomen.org/Download/evaluation
- UN Women (2023). *Status of Women in Pakistan, National Report on The Status of Women in Pakistan, United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women (UN Women)*. URL= https://pakistan.unwomen.org/sites/default/files/2023-07/summary_nrs-w-inl_final.pdf
- UNICEF (2019). URL= <https://www.unicef.org/press-releases/unicef-welcomes-recent-amendment-indonesias-marriage-act>
- WHO (2023). *Global Abortion Policies Database, Country Profile: Pakistan*. URL= <https://abortion-policies.srhr.org/country/pakistan>
- Women Development Organisation (WDO) (2024). *Organisation of Islamic Cooperation*. URL= <https://www.wdo-odf.org/en/>
- Women's Aid Organisation (WAO) (2019). *The Status of Women's Human Rights: 24 Years of CEDAW in Malaysia*.
- Yang, J. (2020). Women in China Moving Forward: Progress, Challenges and Reflections. *Social Inclusion*, 8(2), p. 23-35. <https://doi.org/10.17645/si.v8i2.2690>